

سندی نو یافته پیرامون مسجد هدایت

سید مهدی طالقانی

پدر بزرگوارم زنده‌یاد آیت الله طالقانی، پس از سالها تحصیل علوم اسلامی در حوزه علمیه قم، به سال ۱۳۱۷ در تهران اقامت گزیدند. ایشان علاوه بر تحصیل علوم مرسوم و معمول حوزه علمیه قم، سالها در درس تفسیر قرآن مرحوم آیت الله اشراقی و نیز درس فلسفه علامه آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای شرکت جستند.

پس از اخذ درجه اجتهاد و سکونت در تهران، نخست در مسجد ملک واقع در دروازه قزوین سپس در مسجد منشورالسلطان در خیابان سپه غربی، به اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن پرداختند. این مسجد کوچک گنجایش جوانان و دانشجویان علاقمند را نداشت. از این رو کسبه خیابان اسلامبول از پدرم خواستند که امامت مسجد هدایت را بپذیرند. ورثه بنیان‌گذار مسجد هدایت از اقدام کسبه و امامت جماعت والد بزرگوارم حمایت کردند. با امامت پدر بزرگوارم، انبوه دانشجویان و جوانان جهت ادای نماز جماعت و درس تفسیر قرآن تحصیل علوم اسلامی روی آوردند.

تفسیر قرآن کار تازه‌ای بود که پدرم باروشی نوین در تهران آغاز کردند. متحجران بر پدر تاختند که قرآن مجید نیازی به تفسیر ندارد، اما او پایدار و مصمم هدف آسمانی‌اش را پی گرفت.

مسجد هدایت، مسجدی کوچک در خیابان اسلامبول تهران بود. درخیابان اسلامبول کافه‌ها، کباب‌ها، سینماهای بسیاری وجود داشت که میعادگاه بسیاری از خوشگذرانان آن دوران به ویژه در شب‌های جمعه بود. مسجد دو در داشت؛ دری در خیابان اسلامبول قرار داشت. از در خیابان اسلامبول که به مسجد وارد می شدیم بلافاصله با دیواری مواجه می شدیم که بخش عمده مسجد را جدا می کرد. در این بخش مقبره بزرگان خاندان هدایت قرار داشت. در پشت فضای مقبره، حیاطی به چشم می خورد که در آن حیاط

درمانگاه موقوفه خاندان هدایت جا داشت، سر پرستی این درمانگاه را وزارت بهداشتی زمان به عهده گرفته بود. در دیگر، در بخش شرقی مسجد و در داخل کوچه ای جا داشت. در انتهای این کوچه سینما پارک قرار داشت. بین در سینما پارک و در شرقی مسجد هدایت در ورودی درمانگاه هدایت به چشم می خورد. مشتریان سینما و مؤمنان مسجد به چشم مهر به یکدیگر نمی گریستند. بر در مسجد تابلویی نصب شده بود که بر آن این شعر نقش بسته بود:

متاع کفر و دین بی مشتری نیست

گروهی این گروهی آن پسندند

انبوه مؤمنان و بویژه اشتیاق دانشجویان و جوانان مبارز، سبب شد که چون گنجایش مسجد پاسخگوی حضور مشتاقان نبود، به خواسته پدرم، نمازگزاران و گروهی از کسبه بر آن شوند که بخشی از حیاط درمانگاه به مسجد افزوده شود. این کار از خدمات درمانی درمانگاه نمی کاست و بر فضای مسجد می افزود. توسعه این فضا نیازمند سرمایه ای فراوان بود. واقف اصلی یک پنجم اراضی دروس را وقف مسجد و تکیه و درمانگاه کرده بود ولی با مراجعه علاقه‌مندان و کسبه و مؤمنان، متولی وقت موقوفات از این کار سر باز زد و هزینه گسترش را بر عهده نگرفت.

سرانجام آنچنانکه در سند آمده، کسبه و گروهی از علاقه‌مندان پدرم مرحوم آیت الله طالقانی، تعهد کردند که این مخارج را پرداخت کنند. این مهم انجام گرفت. متولی وقت موقوفه که در برابر عملی خیرخواهانه و انجام شده قرار گرفته بود، این هزینه را بابت پرداخت سهم خود از موقوفه عنوان کرد و ناظران موقوفه نیز مهر سکوت بر لب زدند. انعکاس این سخن بر پدرم گران آمد، به توصیه مرحوم پدرم سندی تنظیم گردید. تا کسانی که در این کار خیر سهمی داشته‌اند، مشخص شوند؛ به این ترتیب نقش فریبنده متولی وقت موقوفه و ناظران برملا گردید.

با گسترده‌گی فضای مسجد هدایت، درس‌های تفسیر قرآن مرحوم پدرم مشتاقان بیشتری را به مسجد کشاند.

در جلسات تفسیر قرآن تا آنجا که به یاد دارم و شنیده‌ام بسیار کسان حضور می یافتند. همه گروه‌های سیاسی و اسلامی با هر اندیشه‌ای در درس تفسیر قرآن شرکت می جستند؛ از جمله می‌توان به حضور آقایان، مرحوم مهندس بازرگان، شهید رجایی، شهید چمران، شهید نواب صفوی، مرحوم دکتر علی شریعتی، شهید واحدی، دکتر عباس شیبانی، مهندس حنیف نژاد، مرحوم حاج احمد صادق، حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی و بسیاری دیگر که ذکر نام همگی آنان در این مختصر نمی‌گنجد.

زمانی که پدرم در زندان بود، مرحوم آیت الله سید ابوالفضل زنجانی اقامه نماز جماعت را به عهده داشت. در مسجد هدایت شبها به اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن اکتفا نمی شد. جمع آوری فطریه و اهداء به مردم فلسطین، جشن استقلال الجزایر، مجلس ترحیم جمال عبدالناصر، از جمله اموری بود که برخی متحجران و درباریان برنتافتند و طالقانی را روحانی سیاسی و وهابی خواندند!

اما مرجع وقت زمانه مرحوم آیت الله بروجردی به این سخنان وقعی نگذاشتند و بر تأیید خویش از مرحوم پدرم افزودند، حتی ایشان را به نمایندگی خویش برای مذاکره و ملاقات با مفتی اعظم الازهر شیخ شلتوت، به مصر اعزام داشتند. سندی که از آن سخن رفت، چنین است:

«به مناسبت اینکه مسجد و درمانگاه و تکیه مرحوم علی قلی خان مخبرالدوله متجاوز از سی میلیون تومان که عبارتست از یک پنجم کلیه اراضی دروس من حیث المجموع موقوفه دارد و متولی آن منافع کلیه آن را به نفع خود برداشت و ناظرین موقوفه هم در این عمل خلاف قانون هیچگونه اعتراض به دادستان محل که مطابق وقف نامه در امور تکیه مرحوم علی قلی خان مخبرالدوله حق نظارت دارد ننموده و مخارجی که کسبه محترم و افراد خیر بخش ۲ خیابان اسلامبول و غیره در ساختمان مزبور نموده اند، بنام خود وانمود کرده به حساب وقف تکیه مزبور آورده اند، لذا از نیکوکارانی که در امور ساختمان مسجد خیابان اسلامبول (هدایت) هر گونه کمک مالی و جنسی و غیره نموده اند تقاضا می شود در ذیل این نامه مرقوم داشته تا اصل قضیه روشن گردد و کمک اهالی محترم آن حدود به حساب موقوفه دروس گذارده نشود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

| ردیف | نام و نام خانوادگی | مبلغ | توضیحات |
|------|----------------------------------|-------------|---|
| ۱ | آقای حاج حسین کرمانیان | ۴۰۰/۰۰۰ | ایشان در بازار تهران آهن فروش بودند. |
| ۲ | آقای اخوان حاجی بابا | ۸۰/۰۰۰ | ایشان نیز آهن فروش بوده و شهید بخارائی می کردند. پس از دستگیری شهید بخارائی ایشان نیز مدتی بازداشت گردیدند. |
| ۳ | آقای حاج حسین فرشچی | ۶۰/۰۰۰ | مرحوم فرشچی، بازرگان خوشنام فرش و مورد اعتماد مرحوم طالقانی بود که کلیه امور مالی دفتر مرحوم پدرم پس از انقلاب در اختیار ایشان قرار گرفت. |
| ۴ | آقای محمد جورابچی | ۱۰۰/۰۰۰ | |
| ۵ | شرکت سیمان فارس | سیمان ۳۵ تن | مدیر عامل آن مهندس منوچهر سالور بود. |
| ۶ | آقای مهندس ابراهیمی (عبدالحسینی) | ۱۰/۰۰۰ | مهندس ابراهیمی کارشناس برجسته دادگستری و کار بزرگ ایشان تعیین جهت دقیق قبله مسجد بود. |
| ۷ | آقای مهندس منوچهر سالور | ۵/۲۰۰ | مهندس منوچهر سالور بنیانگذار نیکنام و متعهد کارخانه های سیمان در کشور بود. |
| ۸ | آقای مهندس بازرگان | ۴/۰۰۰ | ایشان دوست و یار دیرینه پدرم بود. |
| ۹ | آقای مهندس دبیر | ۵/۰۰۰ | تا آنجا که به یاد دارم ایشان در مؤسسه اتکا مشغول به کار بودند و از مردان خیر و خلیق بودند. |

| | | | |
|----|-------------------------|-------|--|
| ۱۰ | آقای سرهنگ دبیر | ۳۰۰۰ | برادر مهندس دبیر بودند. |
| ۱۱ | آقای سرتیب دبیر | ۵۰۰۰۰ | برادر مهندس دبیر و از نیکوکاران ایران و امرای نیروی هوایی. |
| ۱۲ | آقای سرهنگ سطوتی | ۵۰۰۰ | از یاران و شرکت کنندگان دائمی جلسات مسجد بودند. نیکوکاری مودب و خیر که (در ایام ماه مبارک رمضان به یاد دارم) بارها در منزلشان واقع در خیابان شاپور، همراه پدرم، مهمان ایشان بودیم. |
| ۱۳ | آقای علی قلی خانی هدایت | ۵۰۰۰ | |
| ۱۴ | آقای حاج علی اکبر حنیف | ۱۱۰۰۰ | |
| ۱۵ | آقای روانی، حسینی | ۲۰۰۰۰ | |
| ۱۶ | آقای مهندس تاج | ۵۰۰۰ | مهندس تاج معاون وقت اداره برق تهران در میدان ژاله بودند. |
| ۱۷ | آقای مهندس مهرنیا | ۳۰۰۰ | مهندس مهر منیا، معاون انتقال نیروی برق تهران. |
| ۱۸ | آقای مظفرقائمی | ۳۰۰۰۰ | در مقابل مسجد هدایت، در پاساژ فروشگاه مرغ و گوشت داشتند. |
| ۱۹ | آقای انوار | ۱۰۰۰۰ | مدیر محضر در چهار راه لاله زار بودند. |
| ۲۰ | آقای باستانی | ۱۰۰۰۰ | از بازرگانان خیابان لاله زار بودند. |
| ۲۱ | آقای حاج حسین آقای شریف | ۲۵۰۰۰ | مالک و مدیر نمایشگاه مبیل در خیابان لاله زار نو و نیز مالک زمین حسینیه ارشاد بودند. |

| | | | |
|----|--|---------|--|
| ۲۲ | آقای حاج حسین عباباف | ۳۰۰۰ | پدر همسر آقای جوادعلی الله از کسبه خیابان اسلامبول. |
| ۲۳ | آقای مرتاضی | ۳۰۰۰ | از مدیران بانک رهنی واقع در خیابان اسلامبول . |
| ۲۴ | شرکت تام | | در خیابان لاله زار که چراغ‌های مسجد را تأمین کرده‌اند. |
| ۲۵ | آقای همایون خرج محراب را قبول کردند | ۱۰۰/۰۰۰ | بنیانگذار و مؤسس حسینیه ارشاد و همکاری در ساخت مساجدی دیگر داشتند. |
| ۲۶ | آقای سرهنگ سطوتی | ۲۲۰۰۰ | |
| ۲۷ | آقای مرادیان کفاش | ۱۰۰۰۰ | از کسبه خیابان لاله زار بودند. |
| ۲۸ | آقای حاج حسین آقای شفا | ۱۰۰۰۰ | |
| ۲۹ | آقای شفا تقبل کرده اند که سنگ دیوار مسجد را ایشان پرداخت کنند. | ۱۴۰۰۰۰ | |
| ۳۰ | بیش از پنجاه هزار تومان توسط آقای حاجی سید محمود طالقانی که ایشان از بابت وجوه شرعی قبول کرده اند. | ۵۰۰۰۰۰ | |
| ۳۱ | شرکت سعدی | ۱۰۰۰۰ | |
| ۳۲ | آقای مشیرزاده فروشگاه کازرونی | ۲۰۰۰۰ | |
| ۳۳ | آقای حاجی حسین یکتا منش | ۵۰۰۰ | |
| ۳۴ | آقای حاجی حسن مالکی | ۵۷۰۰ | ایشان در دروازه دولت شیشه فروشی داشتند و از مؤمنان نیکوکار و یاران وفادار پدر بودند. |
| ۳۵ | آقای حاجی آقا رضامؤمن نژاد معمار مسجد از گرفتن حق خود صرف نظر کرده اند. | | |

| | | | |
|----|--|-------|---|
| ۳۶ | آقای مهندس سلامی از گرفتن حق خود صرف نظر کرده اند. | | |
| ۳۷ | جواد علی اله | ۱۴۰۰۰ | از کسبه خیابان اسلامبول و یاران پایدار و وفادار مرحوم پدرم بودند. |
| ۳۸ | آقای حاجی حسن تحریریان | ۲۵۰۰۰ | از بازاریان روشنفکر و خیر که جلسات تفسیر قرآن پدرم بارها در منزل ایشان برگزار می گردید. |
| ۳۹ | آقای حاج سید علی داودیان | ۵۰۰۰ | ایشان مغازه کفاشی در خیابان لاله زار داشتند. |
| ۴۰ | آقای حاج حسین آقا بزرگی | ۵۰۰۰ | |
| ۴۱ | آقای محمود آقا متروپل | ۵۰۰۰ | به احتمال زیاد ایشان آقای مرتضائی فر می باشند که در لاله زار نو مغازه پیراهن دوزی داشتند. |
| ۴۲ | شرکت مسعود | ۵۰۰۰۰ | به احتمال این مبلغ از سوی آقای خلیلی مدیر شرکت مسعود واقع در کوچه برلن پرداخت شده است. |
| ۴۳ | آقای حاجی حسین مسعودنیا | ۵۰۰۰۰ | مدیر مغازه کراوات مسعود نیا بودند که نخستین شعبه آن در لاله زار کوچه رفاهی قرارداشت. |

و بسیاری دیگر هم از آقایان مؤمنین محل از دور و نزدیک که کمک جنسی و نقدی کرده اند که در این صفحه نمی گنجد.

خداوند توانا درگذشتگان را در سایه رحمت خویش جای دهد و زندگان را عمری سودمند عطا فرماید.

